

## روابط ساختاری بین خرد و رفتار اخلاقی: نقش واسطه‌ای خودمهارگری

### The Structural Relationship between Wisdom and Moral Behavior: The Mediating Role of Self-Control

**Monir Azadmanesh**  
Ph.D Candidate in  
Educational Psychology  
Islamic Azad University  
Garmsar Branch

**Khadijeh Abolmaali, PhD**  
Islamic Azad University  
Rudehen Branch

**خدیجه ابوالمعالی\***  
دانشیار گروه روان‌شناسی  
دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد رودهن

**منیر آزادمنش**  
دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار

**Akbar Mohammadi, PhD**  
Islamic Azad University, Garmsar Branch

**اکبر محمدی**  
استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار

#### چکیده

هدف این پژوهش بررسی روابط ساختاری بین رفتار اخلاقی و خرد با نقش واسطه‌ای خودمهارگری بود. طرح این پژوهش، همبستگی و جامعه آماری آن، دانشجویان دانشگاه جامع علمی کاربردی تهران در سال ۱۳۹۷ بود. ۳۷۰ نفر به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و سیاهه سبک‌های رفتار اخلاقی (تقی‌لو، ۲۰۱۷)، مقیاس خودمهارگری (تانجی، بامیستر و بون، ۲۰۰۴) و مقیاس خردمندی (اشمیت، مالدون و پاندرز، ۲۰۱۲) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که اثر خودمهارگری بر مردم‌محوری اخلاقی و وظیفه‌محوری اخلاقی به صورت مستقیم و در جهت مثبت و بر خودمحوری اخلاقی به صورت مستقیم و در جهت منفی بود. اثر مستقیم خرد نیز بر خودمهارگری مثبت معنادار بود ولی بر مردم‌محوری و وظیفه‌محوری و خودمحوری اخلاقی معنادار نبود. اگرچه خرد از طریق نقش واسطه‌ای خودمهارگری، بر مردم‌محوری و وظیفه‌محوری اخلاقی تأثیر مثبت و بر خودمحوری اخلاقی تأثیر منفی داشت که نشانگر اهمیت نقش خودمهارگری است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای ترویج رفتار اخلاقی، بهتر است بر تقویت خودمهارگری در برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی تأکید شود.

**واژه‌های کلیدی:** خرد، خودمهارگری، رفتار اخلاقی

#### Abstract

The purpose of this study was to predict moral behavior based on wisdom with the mediating role of self-control. The study design was correlational and the statistical population included students of University of Applied Sciences and Technology in 2019 in Tehran. 370 students were selected by random cluster sampling method and completed Moral Behavior Questionnaire (Taqhiloo, 2017), Self-Control Questionnaire (Tangney, Baumeister & Boone, 2004) and Wisdom Questionnaire (Schmit, Muldoon, Ponders, 2012). For data analysis, structural equation modeling method was used. The results indicated that the self-control affects people-oriented and task-oriented moral behavior positively and self-centered moral behavior negatively. The direct effect of wisdom was also positive and significant on self-control while it was not significant on people-oriented, task-oriented and self-centered moral behavior, But through the mediating role of self-control, wisdom had a positive effect on people-oriented and task-oriented moral behavior and a negative effect on moral self-centeredness, indicating the importance of the role of self-control. Therefore, it can be concluded that in promoting moral behavior in educational planning, it is better to emphasize on improving self-control.

**Keywords:** wisdom, self-control, moral behavior

received: 13 April 2019

accepted: 13 October 2019

Contact information: abolmaali@riau.ac.ir

دریافت: ۹۸/۰۱/۲۴

پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۱

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته روان‌شناسی تربیتی است.

## مقدمه

هدف اخلاق<sup>۱</sup>، ارتقاء بهزیستی و شادابی اجتماعی<sup>۲</sup> برای همه افراد جامعه است (تقی‌لو، ۲۰۱۷)، اگرچه امروزه افراد، استانداردهای اخلاقی متفاوت‌تری را نسبت به گذشته برای رفتارهای خود برگزیده‌اند. عدم رعایت برخی ارزش‌های اخلاقی و چنین شرایطی، نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده است؛ به همین دلیل روان‌شناسان نیز مانند بسیاری از پژوهشگران در پی تبیین این مسئله هستند که افراد به شیوه‌های اخلاقی یا غیراخلاقی رفتار می‌کنند (اصانلو و خدای، ۱۳۹۴). اخلاق راه درست<sup>۳</sup> و نادرست<sup>۴</sup> را نشان می‌دهد. اصول اخلاقی<sup>۵</sup> دارای شاخص‌هایی از توصیف انسانیت انسان، مانند خوب، بافضیلت<sup>۶</sup>، منصفانه<sup>۷</sup>، درست یا اخلاقی<sup>۸</sup> است (المرز، تورن، پانو و لئون، ۲۰۱۹). هنگامی که اصول اخلاقی نادیده گرفته می‌شوند، فرد با هدف کسب سود و امکان توجیه آن، بیشتر احتمال دارد تا به انجام رفتار غیراخلاقی وسوسه شود (احمدی، ۱۳۹۳). اصطلاح رفتار اخلاقی<sup>۹</sup> به رفتاری گفته می‌شود که مطابق با قضاوت هنجارهای اخلاقی، عموماً پذیرفته شده باشد و برای رفتارهایی که برخلاف هنجارهای اخلاقی هستند و معمولاً غیراخلاقی تلقی می‌شوند (مانند دروغ‌گفتن) و رفتارهایی که به میزان قابل توجهی یا حداقل بالاتر از برخی استانداردهای اخلاقی هستند (مانند صادق بودن) و به‌طور معمول اخلاقی به حساب می‌آیند (نه غیراخلاقی) نیز در نظر گرفته می‌شود (رینولد و کرانیک، ۲۰۰۷).

در مورد شکل‌گیری اخلاق نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که هر یک بر جنبه متفاوتی از اصول اخلاقی تأکید می‌کنند. در نظریه روان‌تحلیل‌گری<sup>۱۰</sup> فروید<sup>۱۱</sup> بر جنبه احساسی شکل‌گیری وجدان<sup>۱۲</sup>، به‌ویژه همانندسازی<sup>۱۳</sup> و گناه به‌عنوان عوامل برانگیزاننده رفتار خوب تأکید می‌شود. بر اساس نظریه رفتارنگری، تقویت مثبت، علت داشتن استانداردهای اخلاقی در افراد است. در نظریه شناختی-تحولی<sup>۱۴</sup> نیز بر تفکر و توانایی استدلال کودکان و در نظریه یادگیری اجتماعی، بر

نحوه‌ای که رفتار اخلاقی از طریق تقویت و سرمشق‌گیری از الگو آموخته می‌شود، تأکید می‌شود (برک، ۱۳۹۶/۲۰۰۱). بررسی‌های پیاژه<sup>۱۵</sup> نشانگر آن است که تحول اخلاقی در طول یک ردیف ساخت‌های شناختی تحول می‌یابد و در هر مرحله، ساخت مشخص خود را دارد (کریمی، ۱۳۹۰). کلبِرگ<sup>۱۶</sup> بر اساس نظام پیاژه، اخلاق را با مفهوم عدالت<sup>۱۷</sup> تبیین کرد و به توصیف سه سطح اخلاقی که هرکدام دارای دو مرحله بودند پرداخت: سطح اول) اخلاق پیش‌عرفی<sup>۱۸</sup>؛ مرحله یک: جهت‌گیری تنبیه و اطاعت، و مرحله دو: جهت‌گیری هدف وسیله‌ای؛ سطح دوم) اخلاق عرفی<sup>۱۹</sup>؛ مرحله سوم: جهت‌گیری پسر خوب، دختر خوب، و مرحله چهارم: جهت‌گیری حفظ نظم اجتماعی سطح سوم) اخلاق پس‌عرفی<sup>۲۰</sup>؛ مرحله پنجم: جهت‌گیری پیمان اجتماعی، و مرحله ششم: جهت‌گیری اصول اخلاقی فراگیر و جهانی که در این مرحله، اخلاق کاملاً تحول یافته و جنبه جهانی پیدا کرده است (برک، ۱۳۹۶/۲۰۰۱). از آنجاکه در این مراحل به نحو فزاینده‌ای استانداردهای ثابت‌تر و کلی‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان انتظار داشت که رفتار اخلاقی فرد نیز به تدریج ثابت‌تر شود (کرین، ۱۳۹۶/۲۰۰۰). برخی از مراحل تحول اخلاقی در نظریه کلبِرگ، بر ارتباط بسیار نزدیک تحول اخلاقی با تحول شناختی که پایه تحول اخلاقی است، دلالت دارد و بیانگر آن است که انگیزه ایجاد تحول اخلاقی با پذیرش اجتماعی<sup>۲۱</sup> و خودشکوفایی<sup>۲۲</sup> حاصل می‌شود و لازمه آن، مشارکت فعال افراد در فرهنگ اجتماعی است (ژانگ و ژائو، ۲۰۱۷). بسیاری از متفکران نیز هدف اصلی اخلاق را فداکاری<sup>۲۳</sup> می‌دانند؛ بنابراین، رفتار اخلاقی در عمومی‌ترین سطح، رفتارهای فداکارانه‌ای است که با تمایل به ترویج رفاه شخصی و رفاه دیگران، برانگیخته می‌شود (دوریس، ۲۰۱۲).

اخلاق در روابط انسانی به‌عنوان نظامی از ارزش‌ها، افراد را ملزم می‌سازد که مسئولیت اجتماعی داشته و شهروندان شایسته‌ای باشند (آرین‌پور، هاشمی و عباسی، ۱۳۹۳). ارزش‌ها منافع مشترکی

- |                     |                                    |                       |
|---------------------|------------------------------------|-----------------------|
| 1. morality         | 9. moral behavior                  | 17. Justice           |
| 2. social vitality  | 10. psychoanalysis                 | 18. pre-conventional  |
| 3. right            | 11. Freud, S.                      | 19. conventional      |
| 4. wrong            | 12. conscience                     | 20. post-conventional |
| 5. moral principles | 13. identification                 | 21. social acceptance |
| 6. virtuous         | 14. cognitive-developmental theory | 22. self-realization  |
| 7. just             | 15. Piaget, J.                     | 23. sacrifice         |
| 8. ethical          | 16. Kohlberg, L.                   |                       |

هوش، شخصیت و اخلاق وجود دارد (استرنبرگ و جوردن، ۲۰۰۵). برخی از اتفاقات در حال ظهور، خرد را به مجموعه‌ای از خصیصه‌هایی منتسب می‌کند که با پیشرفت سن همبستگی دارند. یکپارچگی اخلاقی و معنوی، فروتنی، محبت و یا بینش در ابعاد عملی، ذهنی و روانی زندگی، همه با مفهوم خرد مرتبط هستند (استرنبرگ، ۱۹۹۵). بر اساس پژوهش شوارتز (۲۰۱۱)، رهبران و سیاست‌گذاران برای بهبود فعالیت‌های نهادها به دو ابزار قوانین دقیق و انگیزه‌های هوشمندانه نیاز دارند که این دو به‌تنهایی قادر به هدایت تعاملات انسانی در هر شرایطی نیستند؛ بنابراین، به ویژگی شخصیتی دیگری نیاز است که خرد عملی نامید می‌شود. افراد دارای خرد عملی، در هر موقعیت به‌خصوص، عمل درست را انجام می‌دهند. نتایج پژوهش پازوپاتی و اشتادینگر (۲۰۰۱) نیز نشان می‌دهد که استدلال اخلاقی با عملکرد مرتبط با خرد رابطه مثبت دارد و عملکرد مبتنی بر خرد بسیار بالا در میان کسانی که استدلال اخلاقی بسیار کمی دارند، بعید است. همچنین افزایش سن تنها در مورد افرادی که سطح بالایی از استدلال اخلاقی دارند، با سطح بالاتری از دانش و قضاوت مربوط به خرد در ارتباط است. نتایج پژوهش ملک‌محمدی، رحمانی‌شمس، حشمت و فرامرزی‌راد (۱۳۹۶) سه عامل مؤثر در خردمندی را نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: خودمحوری<sup>۱۹</sup>، اندیشمندی<sup>۲۰</sup> و مردم‌دوستی<sup>۲۱</sup>. پژوهش دسی و رودناندو (۲۰۱۷) نیز که با هدف بررسی روابط بین وجدان، خودمهارگری و خرد با فضایل اخلاقی مانند همدلی<sup>۲۲</sup>، مهربانی<sup>۲۳</sup>، تحمل<sup>۲۴</sup>، عدالت<sup>۲۵</sup>، احترام<sup>۲۶</sup> انجام شد، نشان داد سطح کلی خرد در میان پاسخ‌دهندگان متوسط است و ضریب همبستگی ضعیف و معناداری بین خودمهارگری و وجدان با خرد وجود دارد. از این‌رو، برای مهار رفتار اخلاقی، عوامل دیگری مانند خودمهارگری و وجدان نیز نقش دارند. از طرفی کسب دستاوردهای فرصت‌طلبانه می‌تواند به انجام رفتارهای غیراخلاقی در برخی افراد، منجر شود

را به وجود می‌آورند و بر ارزش نسبی منافع مختلف، پیامدهای متضاد و واکنش‌های متناوب نسبت به محیط تأثیر می‌گذارد (استرنبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸ نقل از فراری و پترووسکی، ۲۰۰۹). به اعتقاد لئون<sup>۲</sup> (۱۹۹۰ نقل از فراری و پترووسکی، ۲۰۰۹)، ارزیابی‌های اخلاقی، انگیزه‌ها و رفتارهای احتمالی (مانند اخلاق) به‌عنوان عناصر مهم خرد محسوب می‌شوند. هال<sup>۳</sup> (۱۹۲۲ نقل از کول، ۱۹۸۴) مفهوم خردمندی را به‌عنوان برجستگی منحصربه‌فرد<sup>۴</sup> و اریکسون<sup>۵</sup> (۱۹۵۹ نقل از اسعدی، امیری، مولوی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۲) آن را به‌عنوان نقطه پایانی مطلوب تحول هویت<sup>۶</sup> مطرح کرده است. یونگ<sup>۷</sup> (۱۹۶۰ نقل از اسعدی و دیگران، ۱۳۹۲) نیز منبع خردمندی را در فردیت<sup>۸</sup>، کشف وجود درونی خود و ترکیب تمایلات متضاد می‌داند. از حدود سال ۱۹۸۰ تعاریف جامع‌تری از خردمندی ارائه شد که به سه نظریه مهم آن اشاره می‌شود. از پیشگامان بررسی علمی خرد، انگاره خرد برلین<sup>۹</sup> است که خرد را به‌عنوان خبرگی<sup>۱۰</sup> در عمل‌گرایی بنیادین<sup>۱۱</sup> زندگی تعریف می‌کند. اصطلاح خبرگی به این معنا است که خرد، جنبه‌ای متمایز از مضامین و مهارت‌هایی است که معمولاً از طریق تجربه و تمرین به‌دست می‌آیند و خردمندی به معنای ایجاد تعادل بین نیروهای منطقی و شخصیت است (اشتادینگر و گلوک، ۲۰۱۱). نظریه تعادل خرد<sup>۱۲</sup> استرنبرگ (۱۹۹۸ نقل از قربانی و خرمائی، ۱۳۹۵) نیز هوش موفق<sup>۱۳</sup> و دانش ضمنی<sup>۱۴</sup> را زیربنای خردمندی قرار می‌دهد و بیان می‌کند که خرد در معنای کاربرد هوش و تجربه در سایه ارزش‌ها است و فرد با ایجاد تعادل بین علائق و سازگاری با محیط، به آن دست می‌یابد. همچنین در مدل سه‌بعدی آردلت<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۳ نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶) نیز خرد به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی تعریف می‌شود که در آن سه بعد شناختی<sup>۱۶</sup>، تأملی<sup>۱۷</sup> و عاطفی<sup>۱۸</sup> با یکدیگر یکپارچه شده‌اند. امروزه آثار متعددی در زمینه عملی کردن خرد و ارتباط آن با دیگر ساختارهای مرتبط مانند

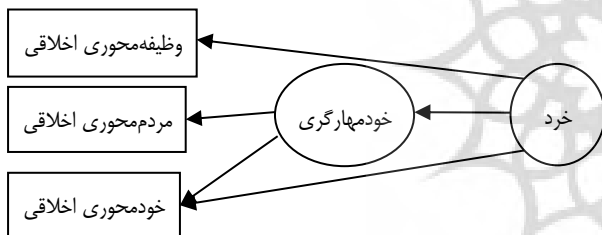
1. Sternberg, R.
2. Leone, P.
3. Stanley, H.
4. individual salience
5. Erikson, E.
6. identity development
7. Jung, C.
8. individuation
9. Berlin wisdom paradigm

10. expertise
11. fundamental pragmatics
12. balance theory of wisdom
13. successful intelligence
14. tacit knowledge
15. Ardel, M.
16. cognitive
17. reflective
18. affective

19. self-centeredness
20. thoughtful
21. friendship people
22. empathy
23. kindness
24. tolerance
25. justice
26. respect

افزایش نمره مذهبی افراد، نمره‌های خودمهارگری آن‌ها افزایش یافته و هرچه تقید به اخلاق بالاتر می‌رود، توانایی در خودمهارگری افزایش می‌یابد.

اگرچه در سال‌های گذشته پژوهش‌های متعددی در مورد خرد انجام شده است، اما نویسندگان، پژوهشی که در ایران در زمینه خرد و روابط آن با رفتار اخلاقی صورت گرفته باشد را نیافتند. بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در ارتباط بین این متغیرها نیز از موارد جدید قابل پژوهش است و انجام پژوهش‌هایی از این قبیل می‌تواند در فراهم آوردن دانش و شناخت لازم برای حفظ و تقویت رفتار اخلاقی در میان افراد جامعه و زمینه‌سازی بسترهای مورد نیاز در این امر مهم، اثرگذار باشد. با توجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش روابط ساختاری رفتار اخلاقی و خرد با نقش واسطه‌ای خودمهارگری بررسی شده است. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

### روش

این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش، دانشجویان دانشگاه جامع علمی کاربردی تهران در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ بودند. حجم نمونه در روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌تواند با ۵ تا ۱۵ برابر به ازای هر پارامتر به دست آید (هومن، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، برای انتخاب نمونه مورد نظر ۳۷۰ نفر، ۱۸۳ مرد (۴۹/۵ درصد) و ۱۸۷ زن (۵۰/۵ درصد) با میانگین سنی ۳۱/۴۸۱ از دانشجویان مراکز علمی کاربردی انتخاب شدند. روش نمونه‌برداری به صورت خوشه‌ای

(بوترام<sup>۱</sup>، داکریک<sup>۲</sup> و بریف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱، لویکی<sup>۴</sup>، پولند<sup>۵</sup>، مینتون<sup>۶</sup> و شپارد<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷ نقل از جینو، اسچوئیتزر، مید و آرلی، ۲۰۱۱) و حتی افراد دارای نیت خوب نیز می‌توانند زمانی که خودمهارگری آن‌ها تضعیف شده است، رفتار غیراخلاقی را به نمایش بگذارند (المرز و دیگران، ۲۰۱۹).

خودمهارگری، به‌عنوان توانایی مقاومت در برابر وسوسه‌ها، تغییر افکار، احساس‌ها و رفتارهای خود یا برای نادیده گرفتن برانگیختگی‌ها<sup>۸</sup> و عادت‌ها تعریف شده است و به فرد اجازه می‌دهد تا خود را برای برآورده کردن انتظارات، پایش و تنظیم کند (گیلبارت، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه خودمهارگری گات‌فردسن<sup>۹</sup> و هیراچی<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۰ نقل از هایجین و ریکتس، ۲۰۰۴)، افراد به‌صورت منطقی در ارزیابی میان لذت بالقوه و درد بالقوه از یک عمل، اعمال لذت‌بخش را انتخاب می‌کنند و از اعمال دردناک اجتناب می‌کنند. شواهد پژوهشی بسیاری بر نقش منابع خانوادگی، فراخانوادگی و زیست‌شناختی در علت‌شناسی خودمهارگری تأکید داشته‌اند (چاپل<sup>۱۱</sup>، واسک<sup>۱۲</sup> و هوپ<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۰ نقل از علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش بامیستر و جولا (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که خودمهارگری، هم‌کلید موفقیت انطباقی<sup>۱۴</sup> و هم‌متمركز بر رفتار با فضیلت است و به‌عنوان یک قدرت عمل می‌کند، پس از اعمال فشار ضعیف‌تر است، با استراحت دوباره فعال می‌شود، و با تمرین مکرر قوی‌تر می‌شود. پژوهش نیکولووا، لامبرتون و هاووز (۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهد، زمانی که موفقیت‌ها به آسانی به یاد آورده می‌شوند، افراد خودمهارگری بیشتری نسبت به زمانی که یادآوری موفقیت‌ها دشوار است، از خود نشان می‌دهند. با این حال، یادآوری شکست‌ها، بدون توجه به سختی‌های آن، باعث کاهش میل و رغبت می‌شود. از نظر بامیستر و اکسلانس (۲۰۰۱) خودمهارگری به‌عنوان تقویت‌کننده رفتار اخلاقی عمل می‌کند. به عبارت دیگر، خودمهارگری افضل فضیلت‌هاست که اخلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دسی و رودناندو، ۲۰۱۷). در ایران نیز پژوهش رفیعی و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) با هدف بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی اسلامی و خودمهارگری نشان داد که با

1. Botram, R.  
2. Dukerick, J.  
3. Brief, A.  
4. Lewicki, R.  
5. Poland, T.

6. Minton, J.  
7. Sheppard, B.  
8. Impulses  
9. Gottfredson, M.  
10. Hirschi, T.

11. Chapple, C.  
12. Vaske, J.  
13. Hope, T. L.  
14. adaptive success

درست بودن آن‌ها، بدون در نظر گرفتن واکنش دیگران و تعارض با قانون و نظم، انجام می‌دهند. افرادی که وظیفه‌محوری بالایی دارند در تعامل با دیگران به حقوق آن‌ها احترام گذاشته و طبق قانون رفتار می‌کنند. خودمحوری اخلاقی، به‌عنوان مؤلفه سوم، سطح رشدنیافته و پایین‌ترین سطح رفتار اخلاقی را نشان می‌دهد. رفتار اخلاقی این افراد در تعامل با دنیای خارج خودمحورانه است و تنها به خاطر ترس از تنبیه به‌وسیله مراجع قدرت، از قانون تبعیت کرده و حقوق دیگران را رعایت می‌کنند. در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این سیاهه، ضرایب همبستگی بین مقیاس حساسیت اخلاقی<sup>۱۶</sup> (بیو<sup>۱۷</sup> و دیگران، ۱۹۹۹) و مؤلفه‌های توافق‌جویی<sup>۱۸</sup> و وظیفه‌شناسی<sup>۱۹</sup> سیاهه پنج‌عاملی شخصیت<sup>۲۰</sup> (جان<sup>۲۱</sup> و دیگران، ۱۹۹۰) با هر سه سبک رفتار اخلاقی در دامنه ۰/۳۲ تا ۰/۵۴ و ضرایب آلفای کرونباخ هر کدام از سبک‌های سیاهه رفتار اخلاقی در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۷۹ به‌دست آمد. همچنین اعتبار بازآزمایی ابزار در سه سبک خودمحوری، وظیفه‌محوری و مردم‌محوری به‌ترتیب ۰/۵۳، ۰/۵۹ و ۰/۴۸ گزارش شد (تقی‌لو، ۲۰۱۷).

در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ برای سه سبک این سیاهه به‌ترتیب برابر ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۷۲ به‌دست آمد.

**مقیاس خودمهارگری<sup>۲۲</sup>** (تانجی، بامیستر و بون، ۲۰۰۴). این مقیاس دارای ۳۶ ماده و دو زیرمقیاس است که عبارت‌اند از: خودمهارگری منع‌کننده یا بازدارنده، و خودمهارگری اولیه. ریدر و دیگران (۲۰۱۱) همسانی درونی هر دو زیرمقیاس را بررسی و ضریب آلفای کرونباخ خودمهارگری منع‌کننده و خودمهارگری اولیه را به‌ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۸۶ گزارش کردند. جان‌بزرگی و رفیعی (۱۳۸۹) نقل از شیرین‌کام و خائفی، (۱۳۹۴) اعتبار مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آوردند. در پژوهشی دیگر نیز ضرایب بازآزمایی و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس به‌ترتیب برابر ۰/۸۸

چندمرحله‌ای بود. بدین صورت که ابتدا از بین مراکز این دانشگاه چند مرکز به‌صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از رشته‌های متفاوت در هر مرکز، چند کلاس و در هر کلاس تمام افراد مورد بررسی قرار گرفتند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

**مقیاس خردمندی<sup>۱</sup>** (اشمیت، مالدون و پاندرز، ۲۰۱۲). این مقیاس خودگزارش‌دهی، ۲۱ ماده و شش بعد دارد (تأملی<sup>۲</sup>، گشودگی<sup>۳</sup>، تعاملی<sup>۴</sup>، عملی<sup>۵</sup>، تناقضی<sup>۶</sup> و تجربه<sup>۷</sup>)، و ماده‌های آن در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند. نتایج محاسبه میزان همبستگی شش بعد با مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون<sup>۸</sup> (کانر<sup>۹</sup> و دیویدسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳) و زیرمقیاس هیجان‌های منفی<sup>۱۱</sup> مقیاس افسردگی، اضطراب، تنیدگی<sup>۱۲</sup> (لاویباند<sup>۱۳</sup> و لاویباند<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۵) توسط سازندگان ابزار، نشانگر روایی همگرا و واگرایی مطلوب مقیاس است. همچنین اشمیت و دیگران (۲۰۱۲) روایی ابزار را با روش تحلیل عاملی تأیید و اعتبار آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کردند. در ایران، اکبری، هاشمی و خبازی کناری (۱۳۹۵) جهت بررسی روایی مقیاس از روش‌های تحلیل عاملی و همبستگی استفاده کردند. اعتبار مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۰ و با استفاده از روش بازآزمایی در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۷۸ به‌دست آمد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۵). همچنین در پژوهش رسولیان و دشت‌بزرگی (۱۳۹۶)، اعتبار ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه شد.

در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های مقیاس خردمندی در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۷۹ به‌دست آمد.

**سیاهه سبک‌های رفتار اخلاقی<sup>۱۵</sup>** (تقی‌لو، ۲۰۱۷). این سیاهه دارای ۳۰ ماده و سه سبک خودمحوری، وظیفه‌محوری و مردم‌محوری است. متعالی‌ترین نوع رفتار اخلاقی منطبق با این سیاهه، مردم‌محوری اخلاقی است. رفتار این افراد توسط آرمان‌های درونی مهار می‌شود که اعمال را صرفاً بر مبنای

1. Wisdom Scale
2. reflective experience
3. openness
4. interactive
5. practical
6. paradoxical
7. experience
8. Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)

9. Connor, K.
10. Davidson, J.
11. negative emotions
12. Depression, Anxiety, Stress Scales (DASS)
13. Lovibond, P. F.
14. Lovibond, S. H.
15. Moral Behavior Styles Inventory

16. Ethical Sensitivity Scale
17. Bebeau, M.
18. agreement
19. conscientiousness
20. five Big personality Factors Inventory (BFI)
21. Jone, J.
22. Self-Control Scale

و ۰/۸۰ به‌دست آمد (خانزاده، همتی علمدارلو، آقابابایی، مرادی و رضایی، ۱۳۹۰).

در این پژوهش به‌منظور ارزیابی ساختار عاملی مقیاس خودمهارگری، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. با توجه به حصول شاخص‌های برازندگی ضعیف برای مدل پنج‌مؤلفه‌ای مقیاس خودمهارگری، تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج مؤلفه‌های منطبق با فرهنگ ایرانی به‌کار گرفته شد. نتایج نشان داد شاخص کیسر-میر-اولیکن<sup>۱</sup> برابر با ۰/۷۹۳ و شاخص بارتلت<sup>۲</sup> به لحاظ آماری معنادار است ( $\chi^2=2961/70$ ،  $df=630$ ،  $P<0/001$ ). در این تحلیل، ۱۱ مؤلفه با ارزش ویژه بزرگتر از یک استخراج شد که تقریباً ۵۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کرد. بر اساس آزمون اسکری<sup>۳</sup>، با تثبیت تعداد مؤلفه‌ها به عدد ۲، تعداد ۱۴ ماده حذف و ماده‌های اول تا چهاردهم، مؤلفه اول و ماده‌های پانزدهم تا بیست‌و‌چهارم، مؤلفه دوم را شکل داده‌اند که در ادامه متناسب با اشتراک معانی ماده‌ها، مؤلفه اول

مهار برانگیختگی و مؤلفه دوم قدرت من<sup>۴</sup> نام‌گذاری شد. افزون بر آن، ارزش ویژه برای مؤلفه مهار برانگیختگی و قدرت من به‌ترتیب برابر ۴/۶۱ و ۲/۹۶ و سهم هر یک از آن‌ها در تبیین واریانس کل به‌ترتیب برابر ۱۹/۲۰ و ۱۲/۳۳ به‌دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ دو مؤلفه مهار برانگیختگی و قدرت من نیز به‌ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۷۵ به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و معادلات ساختاری استفاده شد.

### یافته‌ها

جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای خرد (شامل ابعاد تجربی، عملی، تناقضی، گشودگی، تأملی، و تعاملی)، خودمهارگری (شامل مؤلفه‌های برانگیختگی و قدرت من) و رفتار اخلاقی (شامل مؤلفه‌های مردم‌محوری، وظیفه‌محوری، و خودمحوری) را نشان می‌دهد.

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	SD	M	
۱. خردبید تجربی											۴/۳۰	۱۹/۰۰	
۲. خردبید عملی										۰/۵۴**	۴/۳۷	۱۸/۹۵	
۳. خردبید تناقضی									۰/۳۸**	۰/۴۵**	۲/۸۴	۱۰/۴۷	
۴. خردبید گشودگی										۰/۲۸**	۳/۲۸	۱۱/۴۱	
۵. خردبید تأملی										۰/۴۸**	۳/۰۵	۱۰/۹۴	
۶. خردبید تعاملی										۰/۳۶**	۱/۹۶	۷/۱۰	
۷. خودمهارگری-مهار برانگیختگی										۰/۰۱	۹/۱۵	۴۹/۲۶	
۸. خودمهارگری-قدرت من										۰/۱۶**	۶/۶۷	۳۳/۸۸	
۹. رفتار اخلاقی-مؤلفه وظیفه‌محوری										۰/۲۲**	۱۲/۶۷	۴۵/۶۵	
۱۰. رفتار اخلاقی-مؤلفه مردم‌محوری										۰/۲۵**	۷/۹۹	۴۱/۲۲	
۱۱. رفتار اخلاقی-مؤلفه خودمحوری										۰/۲۸**	۳/۷۲	۱۳/۴۵	

\*\* $P<0/01$  \* $P<0/05$

اخلاقی رابطه مثبت معنادار ( $P<0/01$ ) دارند. همچنین هر دو مؤلفه خودمهارگری (مهار برانگیختگی و قدرت من) با مؤلفه خودمحوری

جدول ۱ نشان می‌دهد که همه ابعاد خرد با مؤلفه خودمحوری اخلاقی رابطه منفی معنادار ( $P<0/01$ ) و با دو مؤلفه دیگر رفتار

در ادامه، شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری ارزیابی شد (شکل ۱). در مدل ساختاری پژوهش فرض بر این بود که خرد هم به صورت مستقیم و هم از طریق خودمهارگری بر مؤلفه‌های رفتار اخلاقی تأثیر دارد. ارزیابی شاخص‌های برازندگی مدل نشان داد که مدل با داده‌های گردآوری شده برازش مطلوب دارد ( $\chi^2=100/74$ ،  $CFI=0/938$ ،  $GFI=0/954$ ،  $AGFI=0/924$  و  $RMSEA=0/062$ ). بدین ترتیب نتیجه‌گیری شد که مدل علی مبتنی بر تبیین مؤلفه‌های رفتار اخلاقی بر اساس خرد و خودمهارگری با داده‌ها، برازش قابل قبول دارد. جدول ۳ ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳

ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل پژوهش

T	B	S.E	B	
۵/۱۶**	۰/۴۷۳	۰/۲۰۷	۱/۰۶۸	خودمهارگری ← مردم محوری
۳/۹۶**	۰/۴۲۶	۰/۳۸۵	۱/۵۲۶	خودمهارگری ← وظیفه محوری
۳/۵۰**	-۰/۶۱۶	۰/۱۸۵	-۰/۶۴۸	خودمهارگری ← خودمحوری
۳/۲۳**	۰/۴۴۳	۰/۱۵۲	۰/۴۹۱	خرد ← خودمهارگری
۱/۱۱	۰/۱۰۱	۰/۲۲۸	۰/۲۵۳	ضریب مسیر مستقیم خرد ← مردم محوری
۱/۲۱	۰/۱۱۷	۰/۳۸۱	۰/۴۶۲	ضریب مسیر مستقیم خرد ← وظیفه محوری
۱/۳۸	۰/۱۲۸	۰/۱۰۸	-۰/۱۴۹	ضریب مسیر مستقیم خرد ← خودمحوری
۲/۷۸**	۰/۲۱۰	۰/۱۹۲	۰/۵۲۴	ضریب مسیر غیرمستقیم خرد ← مردم محوری
۲/۶۳**	۰/۱۸۹	۰/۲۸۴	۰/۷۴۹	ضریب مسیر غیرمستقیم خرد ← وظیفه محوری
۳/۲۷**	-۰/۲۷۳	۰/۰۹۷	-۰/۳۱۸	ضریب مسیر غیرمستقیم خرد ← خودمحوری
۴/۹۸**	۰/۳۱۱	۰/۱۵۶	۰/۷۷۷	ضریب مسیر کل مستقیم خرد ← مردم محوری
۴/۵۹**	۰/۳۰۵	۰/۲۶۴	۱/۲۱۱	ضریب مسیر کل مستقیم خرد ← وظیفه محوری
۵/۶۲**	-۰/۴۰۱	۰/۰۸۳	-۰/۴۶۷	ضریب مسیر کل مستقیم خرد ← خودمحوری

\*\*P < ۰/۰۱ \*P < ۰/۰۵

اخلاقی و دو مؤلفه دیگر رفتار اخلاقی به صورت منفی ( $P < ۰/۰۱$ ) همبسته بودند. نرمال بودن توزیع داده‌ها به واسطه مقادیر کشیدگی و چولگی، و مفروضه هم‌خطی بودن به واسطه مقادیر عامل تورم واریانس<sup>۱</sup> و ضریب تحمل متغیرهای پیش‌بین بررسی شد. دامنه ضریب تحمل با مقادیری از ۰/۵۳ تا ۰/۸۳ و تورم واریانس از ۱/۲۰ تا ۱/۸۹ به دست آمد که نتایج نشان داد مفروضه‌های نرمال بودن و هم‌خطی بودن در بین داده‌های پژوهش برقرار است. تحلیل اطلاعات مربوط به فاصله مهلنوبیس<sup>۲</sup> نیز بیانگر برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چندمتغیری در بین داده‌ها بود. همچنین مفروضه همگنی واریانس‌ها از طریق بررسی نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها<sup>۳</sup> بررسی شد.

مطابق انتظار، شاخص مجذور خی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌ها حمایت نکرد، اما شاخص‌های دیگر برازندگی برای ارزیابی برازش مدل اندازه‌گیری با داده‌ها قابل قبول بودند. مقادیر شاخص مجذور خی بر درجه آزادی ۳/۳۱، شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۴</sup> ۰/۹۳۹، شاخص برازندگی<sup>۵</sup> ۰/۹۶۱، شاخص برازندگی تعدیل یافته<sup>۶</sup> ۰/۹۲۷ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب<sup>۷</sup> ۰/۷۸ به دست آمد. جدول ۲ بارهای عاملی استاندارد، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را برای هر یک از نشانگرهای متغیرهای مکنون خرد و خودمهارگری نشان می‌دهد.

جدول ۲

پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

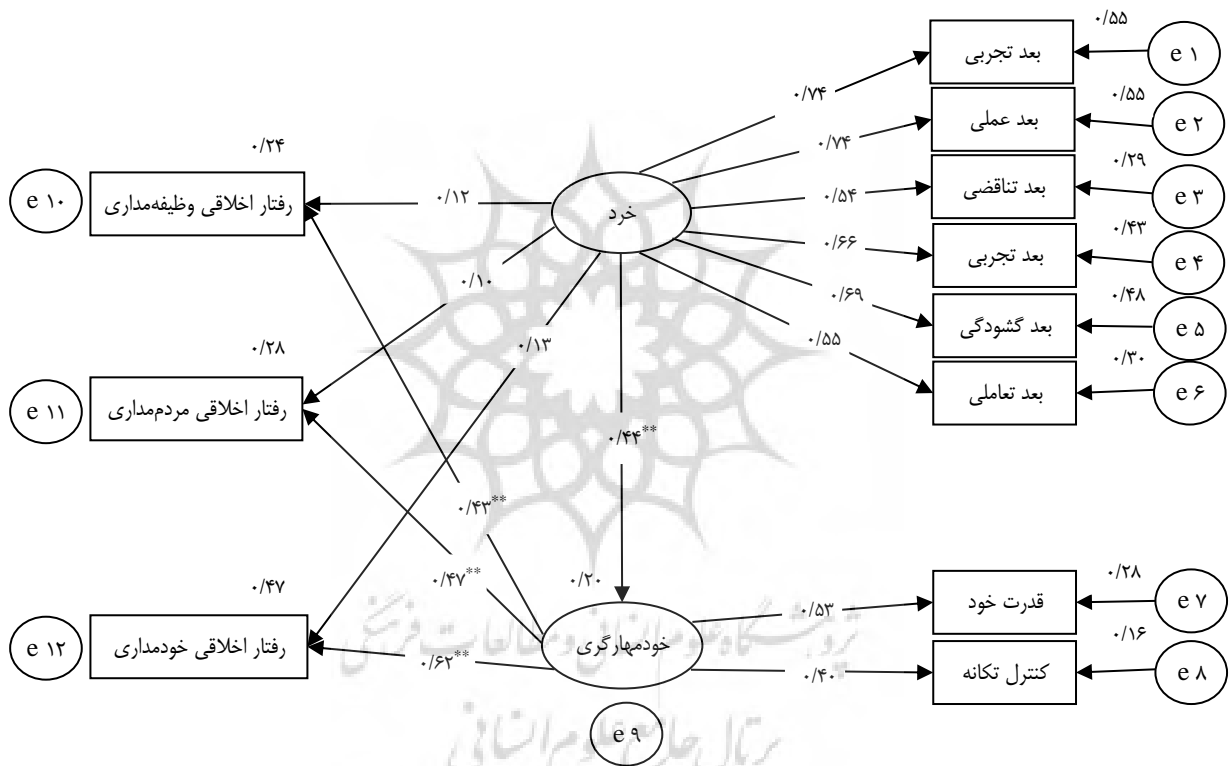
متغیر مکنون-نشان گر	T	SE	B	
خردبعد تجربی	۱۸/۹۷**	۰/۰۳۹	۰/۷۴۰	
خردبعد عملی	۱۷/۵۹**	۰/۰۴۲	۰/۷۳۹	
خردبعد تناقضی	۱۲/۰۳**	۰/۰۴۵	۰/۵۴۰	
خردبعد گشودگی	۱۷/۶۲**	۰/۰۳۷	۰/۶۵۲	
خردبعد تأملی	۱۷/۲۰**	۰/۰۴۱	۰/۷۰۴	
خردبعد تعاملی	۱۱/۴۷**	۰/۰۴۸	۰/۵۵۱	
خودمهارگری - قدرت من	۴/۷۶**	۰/۰۷۸	۰/۳۷۲	
خودمهارگری - مهار برانگیختگی	۴/۰۹**	۰/۱۹۶	۰/۸۰۲	

\*\*P < ۰/۰۱

- |                             |  |  |
|-----------------------------|--|--|
| 1. VIF                      | 4. Comparative Fit Index (CFI)           | 7. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA) |
| 2. Mahalanobis distance (D) | 5. Goodness of Fit Index (GFI)           |  |
| 3. standardized residuals   | 6. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) |  |

بر اساس نتایج جدول ۳، اثر کل خرد بر مؤلفه مردم‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/311, P<0/01$ ) و مؤلفه وظیفه‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/305, P<0/01$ ) مثبت معنادار است اما بر مؤلفه خودمحوری اخلاقی ( $\beta=-0/401, P<0/01$ ) منفی معنادار است. همچنین اثر کل خودمهارگری بر مؤلفه مردم‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/473, P<0/01$ ) و بر مؤلفه وظیفه‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/426, P<0/01$ ) مثبت معنادار اما اثر کل خودمهارگری بر مؤلفه خودمحوری اخلاقی ( $\beta=-0/616, P<0/01$ ) منفی معنادار است. اثر غیرمستقیم خرد بر مؤلفه رفتار اخلاقی مردم‌محور می‌دهد.

بر اساس نتایج جدول ۳، اثر کل خرد بر مؤلفه مردم‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/311, P<0/01$ ) و مؤلفه وظیفه‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/305, P<0/01$ ) مثبت معنادار است اما بر مؤلفه خودمحوری اخلاقی ( $\beta=-0/401, P<0/01$ ) منفی معنادار است. همچنین اثر کل خودمهارگری بر مؤلفه مردم‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/473, P<0/01$ ) و بر مؤلفه وظیفه‌محوری اخلاقی ( $\beta=0/426, P<0/01$ ) مثبت معنادار اما اثر کل خودمهارگری بر مؤلفه خودمحوری اخلاقی ( $\beta=-0/616, P<0/01$ ) منفی معنادار است. اثر غیرمستقیم خرد بر مؤلفه رفتار اخلاقی مردم‌محور می‌دهد.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش در تبیین رابطه بین خرد، خودمهارگری و مؤلفه‌های رفتار اخلاقی

این یافته با نتایج پژوهش ملک‌محمدی و دیگران (۱۳۹۶) که بیان می‌کند خرد با مردم‌دوستی در ارتباط است، ناهمسو است. بالاین‌حال، نتایج پژوهش نشان داد که خرد از طریق واسطه‌گری خودمهارگری، بر مردم‌محوری و وظیفه‌محوری اخلاقی به صورت مثبت و بر خودمحوری اخلاقی به صورت منفی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، خودمهارگری در رابطه بین خرد و مؤلفه‌های رفتار اخلاقی در دانشجویان، نقش واسطه‌ای دارد. این یافته با نتایج

این پژوهش با هدف تعیین روابط ساختاری خرد و رفتار اخلاقی با نقش واسطه‌ای خودمهارگری انجام شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که خرد، بر مؤلفه‌های رفتار اخلاقی مردم‌محور و وظیفه‌محور، اثر مثبت و بر مؤلفه رفتار اخلاقی خودمحور اثر منفی می‌گذارد اما اثر مستقیم خرد بر مردم‌محوری، وظیفه‌محوری و خودمحوری اخلاقی معنادار نیست.



مؤلفه سوم، سطح رشدنا یافته و پایین ترین نوع رفتار اخلاقی را نشان می‌دهد. افرادی که رفتار اخلاقی آن‌ها در تعامل با دنیای خارج خودمحورانه است، به لحاظ تحول اخلاقی در سطح دوم دیدگاه کلبگ قرار دارند و تنها به خاطر ترس از تنبیه به وسیله مراجع قدرت، از قانون تبعیت کرده و حقوق دیگران را رعایت می‌کنند (تقی‌لو، ۲۰۱۷). به اعتقاد کلبگ، رفتار اخلاقی در مراحل بالاتر دارای ثبات بیشتر، قابل پیش‌بینی‌تر و مسئولیت‌پذیرتر است. برای مثال، وقتی فردی در حال گذر از مرحله چهارم است می‌توان انتظار داشت که رفتار اخلاقی او به تدریج نسبت به فردی که در مرحله سوم قرار دارد، باثبات‌تر شود (کرین، ۱۳۹۶/۲۰۰۰). بر این اساس، افراد خردمند یا افراد با تحول شناختی بیشتر، رفتار اخلاقی سطح بالاتری از خود نشان می‌دهند.

در تبیین نقش واسطه‌ای خودمهارگری و رابطه منفی خرد با مؤلفه رفتار اخلاقی خودمحور می‌توان گفت، از یک سو طبق یکی از اصول اساسی نظریه کلبگ، تحول اخلاقی ارتباط بسیار نزدیکی با تحول شناختی دارد، به طوری که تحول شناختی، پایه و بنیان تحول اخلاقی است؛ بنابراین، تحول اخلاقی نمی‌تواند از سطح تحول شناختی فراتر رود (ژانگ و ژائو، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، افراد دارای نمره بالا در خردمندی طبق نظریه‌های خرد، افرادی هستند که نسبت به دیگران رفتارها و هیجان‌های مثبت دارند (آردلت، ۲۰۰۳) و نگران دیگران (استرنبرگ، ۱۹۹۰) هستند. این رفتارها بیانگر توجه این افراد به ارزش‌های انسانی و رفتارهای انسان دوستانه‌ای است که در حیطه اخلاق می‌گنجد (برک، ۱۳۹۶/۲۰۰۱).

با نگاهی به نظریات موجود، می‌توان نتیجه گرفت که خرد، یکپارچگی در فکر و عمل است و باید در عمل فرد دیده شود، زیرا شرط اساسی برای خردمندی، ظاهر شدن آن در بافت زندگی واقعی فرد است. با وجود این، ممکن است رفتارهای فرد در موقعیت‌های مختلف از نظر درجه خردمندی با یکدیگر متفاوت باشد (کردنوقایی، ۱۳۹۶). همچنین تحول شناختی نیز شرط لازم برای رفتار اخلاقی است؛ بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده، خودمهارگری می‌تواند به عنوان یک فعال‌ساز و تقویت‌کننده رفتار، اثر خرد را بیشتر کند و به عنوان یک متغیر اثرگذار بر رفتار، بازدارنده انجام رفتارهای غیراخلاقی در فرد باشد.

پژوهش بامیستر و جولا (۲۰۰۰)، پازوپاتی و اشتادینگر (۲۰۰۱)، جان‌بزرگی و رفیعی (۱۳۸۹)، شوارتز (۲۰۱۱) و ملک‌محمدی و دیگران (۱۳۹۶)، همسو و با یافته‌های به دست آمده از پژوهش دسی و رودناندو (۲۰۱۷) ناهمسو است.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، رفتار اخلاقی شامل مؤلفه‌های خودمحوری، وظیفه‌محوری و مردم‌محوری است. افرادی که وظیفه‌محوری بالایی دارند در تعامل با دیگران به حقوق آن‌ها احترام می‌گذارند و طبق قانون رفتار می‌کنند (تقی‌لو، ۲۰۱۷). در واقع می‌توان گفت که این افراد منطبق بر سطح عرفی (سطح دوم) تحول اخلاقی کلبگ، به ویژه مرحله چهارم تحول اخلاق، عمل می‌کنند که بر جهت‌گیری حفظ اقتدار و نظم اجتماعی تمرکز دارد. افراد در این مرحله به اطاعت از قوانین، دیکتاتوری و مقررات اجتماعی اهمیت می‌دهند، زیرا اهمیت آن‌ها در راستای حفظ یک جامعه کارآمد است (ژانگ و ژائو، ۲۰۱۷)؛ بنابراین می‌توان همسو با نظر کلبگ چنین بیان کرد که فرد دارای وظیفه‌محوری اخلاقی، بر اساس نظم و قانون رفتار می‌کند چراکه انجام رفتار اخلاقی را وظیفه خود می‌داند (برک، ۱۳۹۶/۲۰۰۱). لازمه انجام این رفتار، رسیدن به سطحی از تفکر و رشد اخلاقی است که با ورود به مرحله چهارم محقق می‌شود، زیرا تفکر و رفتار اخلاقی در سطح عالی‌تر درک اخلاقی به هم نزدیک‌تر می‌شوند و با پخته‌تر شدن تفکر اخلاقی، رفتار اخلاقی به نمایش گذاشته می‌شود. متعالی‌ترین نوع رفتار اخلاقی که می‌توان آن را با سطح سوم تحول اخلاقی کلبگ مقایسه کرد، مردم‌محوری اخلاقی است. افرادی که در رفتار اخلاقی مردم‌محور هستند، نوع دوست بوده، انتظار پاداش ندارند، و به دلیل کسب رضایت و احساس لذتی که در کمک به دیگران وجود دارد، کمک می‌کنند. رفتار این افراد توسط آرمان‌های درونی مهار می‌شود که اعمال را صرفاً بر مبنای درست بودن آن‌ها بدون در نظر گرفتن واکنش دیگران و تعارض با قانون و نظم انجام می‌دهند. این افراد که به مرحله عالی‌تر تحول اخلاقی رسیده‌اند، اغلب به اقدامات نوع‌دوستانه‌ای مانند یاری‌رسانی و مشارکت می‌پردازند و درست‌کارتر و شریف‌تر هستند (برک، ۲۰۰۱/۱۳۹۶)؛ این امر نشانگر تحول شناختی فرد است و نتایج این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. خودمحوری اخلاقی به عنوان

رفیعی‌هنر، ح. و جان‌بزرگی، م. (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری. *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۳(۳)، ۴۲-۳۱.

شیرین‌کام، م. و پیرخانفی، ع. (۱۳۹۴). نقش خودکارآمدی و خودمهارگری در اعتیاد به اینترنت. *ویژه‌نامه روان‌شناسی معاصر*، ۱۰، ۹۱۴-۹۱۱.

علی‌وردی‌نیا، ا. و صالح‌نژاد، ص. (۱۳۹۰). خودمهارگری، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی. *زن در توسعه و سیاست*، ۴(۹)، ۲۶-۵.

قربانی، ر. و خرمائی، ف. (۱۳۹۵). تبیین خردمندی بر اساس هوش موفق و خودکارآمدی مقابله. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۳(۴۹)، ۵۵-۴۳.

کردنوقایی، ر. (۱۳۹۶). *روان‌شناسی خرد*. تهران: انتشارات ارجمند.

کریمی، ع. (۱۳۹۰). *مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودکان*. تهران: انتشارات عابد.

کرین، و. (۱۳۹۶). *نظریه‌های رشد (مفاهیم و کاربردها)*. ترجمه غ. خوی‌نژاد و ع. رجایی. تهران: انتشارات رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۱).

ملک‌محمدی، ح.، رحمانی‌شمس، ح.، حشمت، ق. و فرامرزی‌راد، ب. (۱۳۹۶). بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی. *ویژه‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، مشاوره و علوم رفتاری*، ۳(۱۹)، ۲۸-۲۱.

هومن، ح. (۱۳۹۷). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران: سمت.

Baumeister, R. F., & Exline, J. J. (2000). Self-Control, Morality, and Human Strength. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19(1), 29-42.

Cole, T. R. (1984). The Prophecy of Senescence: G. Stanley Hall and the Reconstruction of Old Age in America. *The Gerontologist*, 24(4), 360-366.

Desi, D., & Rodelando, O. (2017). Levels of moral intelligence virtues and wisdom development among selected Filipino working adults. *The Bedan Journal of Psychology*, 1, 61-66.

Doris, J. M. (2012). *The Moral Psychology Handbook Research Group*. New York: Oxford University Press Inc.

Ellemers, N., van der Toorn, J., Paunov, Y., & van Leeuwen, T. (2019). The Psychology of Morality: A Review and Analysis of Empirical Studies Published From 1940 Through 2017. *Personality and Social Psychology Review*, 23(4), 332-366.

Ferrari, M. O., & Potworowski, G. (2009). *Teaching for*

با توجه به اینکه در این پژوهش از ابزار خودگزارش‌دهی استفاده شده است، ممکن است سوگیری مطلوبیت اجتماعی بر پاسخ شرکت‌کنندگان اثر داشته باشد. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از مصاحبه بالینی و روش‌های کیفی نیز برای افزایش میزان دقت در پاسخ‌های شرکت‌کنندگان بهره بگیرند. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود روان‌شناسان تربیتی و مشاوران تحصیلی به‌منظور ارتقاء رفتارهای اخلاقی در دانش‌آموزان، به تقویت خودمهارگری و تحول خرد آن‌ها بپردازند. همچنین در قلمرو آموزش، به خانواده‌ها نیز توصیه می‌شود در زمینه‌های تحول خودمهارگری و تقویت آن، و خردمندی و مفهوم‌سازی آن با توجه به فرهنگ جامعه، برنامه‌هایی تنظیم و تدوین کنند.

## منابع

احمدی، ا. (۱۳۹۳). اخلاقی و ناراستگویی: توانایی توجیه رفتار غیراخلاقی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱(۴۱)، ۴۱-۳۱.

اسعدی، س.، امیری، ش.، مولوی، ح. و باقری‌نوع‌پرست، خ. (۱۳۹۲). معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن. *دو فصلنامه علمی پژوهشی رویکردهای نوین آموزشی*، ۲(۸)، ۲۸-۱.

اصلانو، ب. و خدای، س. (۱۳۹۴). طراحی مدل رفتار اخلاقی کارکنان با تأکید بر نقش ارزش‌های اخلاقی سازمان. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۰(۱)، ۹۵-۱۰۵.

اکبری، ع.، هاشمی، س. و خبازی‌کناری، م. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه خردمندی. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت*، ۲(۲)، ۳۴-۱۹.

آرین‌پور، ا.، هاشمی، ت. و ماشینچی‌عباسی، ن. (۱۳۹۳). نقش جهت‌گیری اجتماعی بر رفتار اخلاقی با توجه به نقش میانجی معنویت. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۹(۳)، ۱۲۴-۱۱۱.

برک، ل. (۱۳۹۶). *روان‌شناسی رشد: از لقاح تا کودکی* (جلد اول). ترجمه ی. سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۱).

خانزاده، ع.، همتی‌علمدارلو، ق.، آقابابایی، ح.، مرادی، ح. و رضایی، ص. (۱۳۹۰). پیش‌بینی ظرفیت خودمهارگری از طریق انواع جهت‌گیری‌های مذهبی و نقش آن در کاهش بزهکاری. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۲(۲)، ۳۶-۱۹.

رسولیان، س. و دشت‌بزرگی، ز. (۱۳۹۶). رابطه پابندی مذهبی، شخصیت اصیل، آبدیگی و انعطاف‌پذیری با خردمندی در سالمندان با میانجی‌گری انسجام خود. *مجله روان‌شناسی پیری*، ۳(۳)، ۲۴۱-۲۲۹.

- Schmit, D. E., Muldoon, J., & Pounders, K. (2012). What is Wisdom? The Development and Validation of a Multidimensional Measure. *Journal of Leadership, Accountability and Ethics*, 9(2) 39-54.
- Schwartz, B. (2011). Practical wisdom and organizations. *Research in Organizational Behavior*, 31, 3-23.
- Staudinger, U. M., & Glück, J. (2011). Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Field. *Annual Review of Psychology*, 62(1), 215-241.
- Sternberg, R. J. (1995). *Wisdom: Its nature, origins, and development*. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Sternberg, R. J., & Jordan, J. (2005). *A Handbook of Wisdom Psychological Perspectives*. Publisher: Cambridge University Press.
- Taghiloo, S. (2017). Developing and validation of Moral Behavior Styles Inventory. *Interdisciplinary Journal of Education*, 2(2), 17-27.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades, and Interpersonal Success. *Journal of Personality*, 72(2), 271-324.
- Zhang, Q., & Zhao, H. (2017). An analytical overview of Kohlberg's Theory of Moral Development in College Moral Education in Mainland China. *Journal of Social Sciences*, 5(8), 151-160.
- wisdom cross-cultural perspectives on fostering wisdom. Netherlands: Springer.
- Gillebaart, M. (2018). The "Operational" Definition of Self-Control. *Frontiers in Psychology*, 9.
- Gino, F., Schweitzer, M. E., Mead, N. L., & Ariely, D. (2011). Unable to resist temptation: How self-control depletion promotes unethical behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 115(2), 191-203.
- Higgins, G. E., & Ricketts, M., L. (2004). Motivation or Opportunity: Which Serves as the Best Mediator in Self-Control Theory? *Western Criminology Review*, 5(2), 77-96.
- Nikolova, H., Lambertson, C., & Haws, K. L. (2016). Haunts or helps from the past: Understanding the effect of recall on current self-control. *Journal of Consumer Psychology*, 26(2), 245-256.
- Pasupathi, M., & Staudinger, U. M. (2001). Do advanced moral reasoners also show wisdom? Linking moral reasoning and wisdom-related knowledge and judgement. *International Journal of Behavioral Development*, 25(5), 401-415.
- Reynolds, S. J., & Ceranic, T. L. (2007). The effects of moral judgment and moral identity on moral behavior: An empirical examination of the moral individual. *Journal of Applied Psychology*, 92(6), 1610-1624.



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی